

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۰۴

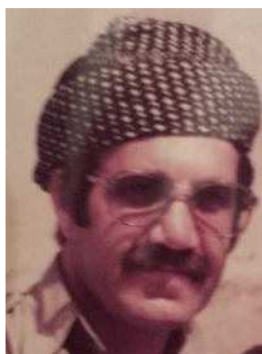
ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۱۳ آذر ۱۳۹۲، ۴ دسامبر ۲۰۱۳

سردبیر عبدال کلپریان

در گرامیداشت عمر احمدزاده چهره محبوب و شناخته شده مردم کردستان



با تاسف فراوان رفیق عمر احمد زاده مبارز خستگی ناپذیر علیه دو حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی در بامداد اول دسامبر ۲۰۱۳ در شهر کلن آلمان بر اثر بیماری سرطان در سن ۶۹ سالگی از میان ما رفت.

با مرگ این مبارز خستگی ناپذیر مردم کردستان یک یار و دلسوز قدیمی و دوست داشتنی خود را از دست دادند. عمر احمدزاده در سه دهه گذشته برای کمونیستها و مبارزین کردستان چهره ای آشنا و همراهی دلسوز بود.

عمر احمد زاده مبارزی
صفحه ۲

به مناسبت هفدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری



میخوانم. اما در جواب به سوالتان باید بگویم که:

حزب کمونیست کارگری جواب طبقه کارگر و کمونیستها به دنیای نابرابر و نشانه عزم و اراده انسانیت متمدن علیه حاکمان استثمارگر، وحشی و قهار بود. این حزب جواب کمونیستها و ابزار کمونیستها برای رسیدن به دنیایی آزاد و برابر بود و هست. اما این حزب در شرایط سختی تشکیل شد که کل رسانه های جهانی و قدرتهای پیروز در مقابل شکست سرمایه داری دولتی بلوک شرق با افتخار "مرگ کمونیسم" و پایان هر نوع برابری طلبی و آزادیخواهی را فریاد میزدند. این حزب خلاف جریان و بر خلاف فضای حاکم بر جهان تشکیل شد. نه تنها در ایران بلکه در تمام جهان در آن مقطع با مهندسی افکار عمومی به مردم قبولانده بودند که کمونیسم و مارکسیسم راه حل نیست. اعلام کردند با فرو ریختن دیوار برلین و شکست الگوی شوروی کمونیسم تمام شد.

برای هر ناظر و تاریخ نگار "واقع بینی" پایان دهه ۸۰ میلادی، با پایان کمونیسم تداعی شد. کمتر

صفحه ۲

به مناسبت بیست و دومین سال تشکیل حزب کمونیست کارگری این مصاحبه را باز تکثیر میکنیم زیرا مباحث و احکام آن هنوز به قوت خود باقی است. اما بهتر از اینها آنچه که در پنج سال قبل در این مصاحبه تحلیلها گفته شده است اکنون به فاکت و داده های امروز تبدیل شده اند.
ایسکرا

گفتگو با محمد آستگران ایسکرا: به هفدهمین سالگرد

تشکیل حزب کمونیست کارگری نزدیک می شویم. حزب در چه شرایطی و در پاسخ به کدام ضرورت سیاسی و تاریخی تاسیس شد؟

آستگران: قبلا اجازه بدهید هفدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری را به همه کارگران و همه انسانهای تحت ستم و اعضا و فعالین حزب و هر انسان برابری طلبی تبریک بگویم. این حزب امید و روزه ای به دنیایی روشن و آزاد است و همه انسانهای آزادیخواه و معترض را به پیوستن به آن فرا

اخبار کارگری هفته

بی خبری از وضعیت افشین ندیمی و مهرداد صبوری

کمیته هماهنگی دستگیری های متعدد وی پایه و اساس فعالین کارگری و همچنین ادامه بازداشت افشین ندیمی، مهرداد صبوری و دیگر کارگران زندانیان سیاسی توسط اداره اطلاعات را شدیدن

صفحه ۴

پنجشنبه ۰۷ آذر: خانواده های دو عضو بازداشتی کمیته هماهنگی در شهر کامیاران بعد از گذشت ۲۱ روز همچنان از وضعیت سلامت فرزندانشان که در بازداشت اداره اطلاعات بسر می برند بی خبرند ...

پیام تسلیت و همدردی با پروانه فلاحتکار، زرتشت، رزگار و یادگار احمدزاده عمر احمدزاده رفیق و دوست و یار دیرینه مان را از دست دادیم.

با تاسف فراوان از دوستی نزدیک فعالیت مشترک و با هزاران خاطره شیرین و تلخ از دست دادیم. عمر احمدزاده مبارزی با تاسف فراوان از امروز اول دسامبر قلب مهربان و پر از احساس عمر احمدزاده، نمی زند. او را با بیش از سه دهه

اعدام ها را متوقف و زندانیان سیاسی را فوراً آزاد کنید



مردم شریف ایران، مردم انسان دوست دنیا
همانطور که میدانید در حال حاضر دهها فعال کارگری و تعداد زیادی از زندانیان سیاسی و عقیدتی با اتهاماتی واهی و به جرم مبارزه برای حق و حقوق خود در زندانند. جرم اینها این است که تلاش کرده اند

صفحه ۲

شهابی آزاد کنید
بهنام ابراهیم زاده را آزاد کنید

- صفحه ۳: جامعه ای که تمام قد در مقابل جنایت و قصاص ایستاده است.
- صفحه ۳: هنرمندان نسل گذشته باید بیاموزند!
- صفحه ۶: تابو مجموعه مباحثی درباره مسائل و مشکلات زنان در کردستان بخش هفتم: رابطه زنا شویی، سکس
- صفحه ۷: مختصری از تاریخ یک دوره / بخش سی و نهم / عبدال کلپریان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ به مناسبت...

از صفحه ۱ در گرامیداشت عمر احمدزاده...

انقلابی بود که بیش از پنج دهه از زندگی خود را صرف مبارزه و فعالیت سیاسی و مبارزاتی کرده بود. در شهرهای کردستان و بویژه در شهرهای مریوان و سنندج و برای مردم منطقه «کلاترزان» و «شامیان» و «سروآباد» عمر احمد زاده شخصیتی آشنا و محبوب است. مردم او را بعنوان یک مبارز انقلابی و یار و دوست نزدیک خود می شناسند و به این پایداری و پیگیری در مبارزه احترام و ارج می نهند.

گرامی یاد عمر احمدزاده کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران سوم دسامبر ۲۰۱۳

کمیته کردستان حزب

از صفحه ۱

پیام تسلیت و همدردی...

طولانی در شادی و غم در مبارزه و اعتراض همراه داشتیم. از او ده ها خاطره شیرین داریم.

در گذشت رفیق عزیز عمر احمد زاده را به همسر و یار صمیمی پروانه فلاحکار، زرتشت و رزگار و یادگار به بستگان نشان در ایران تسلیت میگوییم.

پروین معاذی. نوید نودینیان. منیر شریفپوریان. ایرج فرجاد. سوما فرجاد. کاهه فرجاد. سحر فرجاد. وریا احمدی. شایسته

که در بحران مرگباری که اکنون سرمایه داری در آن غوطه ور شده است تلاش میکنند به مردم جهان بگویند یک بار دیگر کمر بندهایشان را سفت کنند. پیام حزب ما در این دوره این است که باید با تعرض به کل این سیستم جواب حاکمان پیروز دیروز و شکست خوردگان امروز را داد.

ایسکرا: وجوه تمایز حزب با سایر جریاناتی که خود را چپ می دانند را در چه می بینید؟

آسنگران: یکی از تمایزات مهم ما با دیگر جریاناتی که خود را چپ میدانند و یا میدانستند بر خورد و تفاوت سیاستمان به همین دوره قبلی بود که در سوال اول به آن پرداختیم. (منظورم نه افراد که سازمانها و احزاب شناخته شده است)

همه جریانات چپ به نوعی با آن فضای بعد از جنگ سرد همگام شدند، و یا در بهترین حالت دچار سردرگمی و سکوت و روخت شدند. حرفی برای گفتن و پرچمی برای به اهتزاز در آوردن نداشتند. یا با آن صدای گوش خراش بورژوازی بازار آزاد و بویژه دمکراسی طلبی مد شده، همراه شدند و ضد کمونیست بودن خود را افتخار دانستند و یا سرشان را زیر برف کردند و منتظر تحولات بعدی شدند.

ولی تفاوت و تقابل تحلیل و ارزیابی ما با دیگر جریانات و سازمانهای "چپ" محدود به ارزیابی از آن تاریخ و بعد از شکست بلوک شرق نیست. تفاوتهای ما با آن

چپ از نقد تاریخ سوسیالیسم روسی و چینی و... گرفته تا نقد و تفاوت ما در قبال اوضاع جهانی بعد از جنگ سرد، تا تمایز ما با همه این جریانات در قبال اسلام سیاسی، ناسیونالیسم، دمکراسی و آلترناتیو ما برای رهایی انسان و... همگی نشان میدهد که ما از پایه با همه آنها متمایز هستیم.

ما در نقد سیاستها و جهان بینی بورژوازی که آن چپ هم بخشی از آن است به اینجا رسیده ایم. ما نه تنها از لحاظ تئوری و سیاست که از نظر طبقاتی و جنبشی و سنت مبارزاتی هم متمایز و متفاوت هستیم. جنبش و سنتهایی که سازمانها و احزاب چپ خود را به آن متعلق میدانند یا تماما و یا بخشا با ناسیونالیسم و مذهب آغشته و

انسان و برابری طلبانه را با شدت و حدت تمام ادامه داد. اما در پایان دهه ۹۰ نیاز انسان و نیاز جامعه به بهتر زیستن و نیاز به اتکا به عقلانیت و خرد به جایی رسید که افسار گسیختگی بازار آزاد سرمایه داران و تئورسین هایشان با موانع جدی مواجه شد. فرمان پایان تاریخ از همین مقطع از جانب بخشی از تئورسینهای بورژوا با شک و تردید جدی روبرو شد. ایدئولووگهای "عاقلتر" بورژوازی راست پیروز از این مقطع با احتیاط بیشتری حرف میزدند.

دهه ۹۰ را میتوان دهه تعرض همه جانبه بورژوازی بازار آزاد و دمکراسی به ایده های آزادیخواهانه و برابری طلبانه نامید. اما در همین دهه بود که مارکسیست بزرگی مانند منصور حکمت و همراهانش حزب کمونیست کارگری را تشکیل داده و به عنوان یک راه حل و پرچم انسان خلاف جریان، پاسخی درخور و جسورانه به تعرض دشمنان انسانیت دادند. اگر چه صدای ما ضعیف و محدود بود، اما نشان دادیم که صدای حقیقت و صدای آزادی انسان زنده است. این صدا و این پرچم با حزش، با سیاستهای رادیکال و انسانیش، با رهبران و رسانه هایش و تیزبینی و حقانیتش اکنون در دوره ای دیگر و با اعتماد بنفس بسیار بالاتری در میدان سیاست آماده است و نقش ایفا میکند.

اکنون که دنیا تغییر کرده است و سرمستی بورژوازی بازار آزاد و دمکراسی مبتنی بر آن، به پایان و به بن بست خود رسیده است و ابداع کنندگان تئوری پایان تاریخ، نویسنده پایان بازار آزاد و پایان آمریکا شده اند، اکنون که برخلاف دهه ۹۰ حتی "کمونیستها" و یا بهتر بگویم کمونیستهای سابق، کاپیتال را پنهان میکردند که متهم به خیال باف و غیر واقعبین نشوند، حتی راست ترین جناحهای بورژوازی از جمله سارکوزی هم با ورق زدن کاپیتال مارس عکس میگیرند. این تحولات نشان میدهد که دوران تعرض طبقه کارگر و کمونیستهای کارگری آغاز شده است. پایان بوق و کرنای پیروزی بورژوازی بازار آزاد و دمکراسی، آغاز دوران تعرض ما طبقه کارگر آگاه و کمونیستهای کارگری است. البته نباید غافل بود

کسی پیدا میشد که خلاف ایترنا بگوید. تمام احزاب کمونیست و سوسیالیست در دنیا یا اسمشان را تغییر دادند و یا با اضافه کردن کلمه دمکراسی تلاش کردند خود را از صف "دیکتاتوری کمونیستها" در بلوک شرق جدا کنند. زیرا برای همه آنها هم آن بلوک معنی سوسیالیسم و کمونیسم را داشت. آغاز دهه ۹۰ میلادی آغاز تعرض افسار گسیخته بورژوازی راست پیروز بود. تحت لوای شکست بلوک شرق و شوری آن زمان شکست کمونیسم و مارکسیسم را فریاد زدند. تعرضی همه جانبه و بیرحمانه به کمونیستها آغاز شده بود. بورژوازی بازار آزاد پیروز شده بود. با این پیروزی میخواست تقاضای خود از مبارزات طبقه کارگر که در طول حیات خود با آن مواجه شده بود را بگیرد. با شکست بلوک شرق و سرمایه داری دولتی این بلوک، اعلام کردند کمونیسم شکست خورده است. آوار این شکست را بر سر طبقه کارگر و انسانیت برابری طلب خراب کردند.

اما جواب منصور حکمت و کمونیستهای کارگری به این تعرض بیشرمانه و بیرحمانه، دفاع جانانه و بدون تخفیف از مارکسیسم و رهایی انسان و نقد سرمایه بود. اگر چه دفاع از انسانیت و آزادی انسان و ایده های برابری طلبانه در بسیاری از کشورهای جهان دیوانگی و سر به سنگ کوبیدن معنی میشد، اما کمونیستهای کارگری در حقانیت تئورهای مارکس شک نکردند. با پافشاری بر نقد سرمایه و با زنده نگهداشتن نقدهای مارکس در هر محدوده ای که در توان داشتند، در مقابل این تعرض بیشرمانه بورژوازی به سنگر بندی پرداختند. این سنگر بندی در آن مقطع بدون منصور حکمت ممکن نمیشد. بورژوازی راست علیه انسانیت و برابری طلبی در بوق و کرنا کرده بود که این پایان تاریخ است و سرمایه آخرین مدل و سیستم اداره جامعه است! تشکیل حزب کمونیست کارگری جواب مارکسیستها در ایران به این تعرض جهانی بود.

تعرضی که حداقل به مدت یک دهه تحت تاثیر پیروزی بر بلوک شرق، فضای تخریب ایده های رهایی

رهایی بشر، مجال این را نداد که آن پروسه به انتهای خود برسد. ما در ابتدای دهه نود با حرکت غول آسای سیل مخرب تعرض بورژوازی مواجه شدیم که ابعاد جهانی آن حیرت انگیز بود. ناگفته نماند چپهایی بودند که در خواب و خیال خود فرو رفته و هیچ وقت این ابعاد و اهمیت این تعرض را نفهمیدند. در چنین شرایطی ما ناچار بودیم نه تنها در ابعاد ملی که در ابعاد جهانی پرچمی را به اهتزاز در آوریم و در مقابل وحشیانه ترین تعرض بورژوازی هار که در تاریخ مدرن بشر بی سابقه بود بایستیم. این موقعیت

جامعه ای که تمام قد در مقابل جنایت و قصاص ایستاده است.

کمال خونسردی افراد را به "قتل نفس" محکوم میکند و زندگی یک خانواده را که با پدیده شوم اعدام دست و پنجه نرم میکند، را چگونه به مرز نابودی کامل میکشاند.

جمهوری اسلامی ایران آنقدر جنایت و اعدام کرد که این پدیده در فیلمها و در صحبتها و مهمانیها و حتی در خواب فرزندان ما نیز جا گرفت.

سببیت و وحشیگری قانون قصاص در ایران امروز با موجی از اعتراض و نفرت عمومی روبرو شده است. از یکسو اعتراض روزمره خانواده های محکومین به اعدام، تظاهرات و اعتصاب عمومی در شهرها و در دانشگاههای ایران و بویژه کردستان، مبارزه و میتینگ در همه جای دنیا در اعتراض به حکومت اسلامی ایران که روزانه حداقل ۳ نفر را میکشد تا نظام اش سر پا بماند، همه و همه پروزات یک جنبش وسیع علیه اعدام در ایران است. تعدادی از هنرمندان از



قصاص "است. سرگذشت زنی که به همراه فرزند خردسالش برای نجات جان همسر محکوم به اعدامش فعالیت و دوندگی میکند. مرد متهم به قتل است و فیلم از نزدیک این پدیده را بررسی میکند که چگونه یک نفر در شرایط بحرانی دست به عملی میزند و چگونه قانون در

اقدام مسؤلانه هنرمندان و نمایش فیلم دهلیز، تا کنون جان دو زن محکوم به اعدام را نجات داده است!

ستارگان این حرکت مردمی بودند که وسیعا از ایده نجات یک زن محکوم به اعدام استقبال کرده و این امر را ممکن کردند! فیلم دهلیز در مورد "

چندین سال قبل وارد عرصه اعتراض علنی به اعدامها در ایران شده و با انواع فعالیتهای، سعی دارند جلوی اعدامها در ایران گرفته شود. آخرین نمونه اجرای دو برنامه گلریزان بود که با هدف کمک به نجات جان دو زن جوان محکوم به اعدام انجام گرفت.

حدود سه ماه قبل در اولین مراسم گلریزانی که برای جمع آوری پول در ایوان شمس برگزار شد، دختری ۲۸ ساله محکوم به قصاص از خانواده حکم رهایی پیدا کرد. خانواده مقتول از اجرای حکم صرف نظر کردند تا این محکوم، بعد از ۶ سال زندان از زندان آزاد شود.

دومین مراسم گلریزان فیلم سینمایی "دهلیز" برای جمع آوری پول برای آزادی دومین محکوم به اعدام شامگاه دوشنبه اول مهر ماه، ساعت ۲۰ با حضور هنرمندان و اهالی ورزش در محل سینما آزادی برگزار شد.

برگزار کنندگان با اظهار رضایت از استقبال گسترده مردم از آنها تشکر کردند و از کمک هایی گفتند که توانسته اند با آن یک محکوم به اعدام را نجات دهند. یکی از برگزار کنندگان گفت: "ستاره ها و هنرمندان زیادی امشب در این مراسم حضور داشتند و کمک کردند اما به نظر من ستاره های امشب مردمی بودند که آمدند و هر آنچه توانستند در نهایت اخلاص کمک کردند.

کمیته بین المللی علیه اعدام این نوع اقدامات انسان دوستانه و اقدامات اجتماعی علیه اعدام در ایران را ارج می نهد و از همگان دعوت میکند که با اقداماتی مشابه و هر آنچه در توان دارند، کاری کنند که حکومت اسلامی ایران بیش از این نتواند نکشد و به جنایت دولتی به اسم قصاص و اعدام در ایران نقطه پایانی گذاشته شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۹ نوامبر ۲۰۱۳

هنرمندان نسل گذشته باید پیامورند!

خارج از کشور موقعیت امروز خود را باید مدیون مردمی باشند که ستارگان این حرکت انسانی هستند.

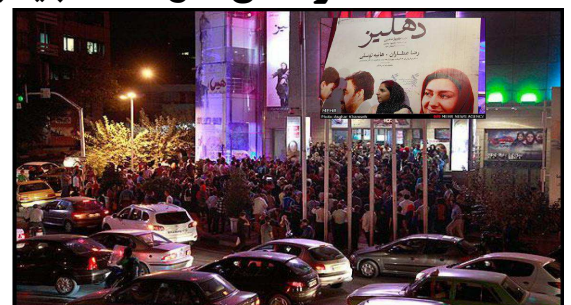
۲۹ نوامبر ۲۰۱۳

نسل جدید در داخل کشور که همگام با مردم و برای زنده نگه داشتن حق حیات انسان و زیر سایه سره نیزه قاتلان اسلامی تلاش می کنند پیامورند و به این تلاشها ملحق شوند. این دسته از هنرمندان در

قدرانی کرد. این هنرمندان توسط مردم بزرگ شده اند.

به همین بهانه می خواهم بگویم آندسته از "هنرمندانی" که بدون قرار گرفتن زیر سایه زندان و شکنجه سالها در خارج کشور به زندگی بدون دردسر و مرفه خود مشغول هستند، جا داشت و جا دارد که برای یکبار هم شده در کنار مردمی که آنان را پرورده کردند و به آنان جایگاه و اسم و رسم دادند قرار بگیرند. این حرکتهای انسانی در تاریخ مبارزات مردم ثبت خواهد شد و آیندگان بر سر آن خواهند نوشت.

فراخوان من به هنرمندان خارج از کشور این است که از هنرمندان



عبدل گلبریان

زندگی و زنده بودن می جنگند این اقدامات ممکن و میسر نیست. بعد از جرئت و جسارت مردم که در زیر تیغ حاکمان انسان کش لحظه ای برای نجات جان هموعان خود کوتاهی نمی کنند، بخشی از هنرمندان داخل کشور نیز خود را در همسویی با مردم شریک می دانند. بدون شك از کار و تلاش آنان باید

کمیته بین المللی علیه اعدام بحق ستارگان این حرکت برای نجات جان دو زن محکوم به اعدام را مردمی عنوان کرده است که تلاش برای نجات جان انسانها را در دامن هنرمندان گذاشته اند. بدون این جنبش عظیم و بدون این تلاش انسانی از سوی مردمی که برای



از صفحه ۱ اخبار کارگری هفته

محکوم کرده و خواهان پایان دادن به این دستگیری ها و برخورد های غیرانسانی است.

احضار مجدد خالد حسینی به دادگاه

پنجشنبه ۰۷ آذر: سید خالد حسینی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری برای بار چهارم جهت محاکمه احضار شد. روز چهارشنبه ۶/۹/۹۲ به وکیل وی آقای حمید خلیج اطلاع داده شد که نامبرده در روز ۱۶/۱۰/۹۲ جهت محاکمه در شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج حاضر شود.

خالد حسینی که روز ۱۷ اسفند ۹۱ و در استانه روز جهانی زن توسط نیروهای اداره اطلاعات در خانه اش دستگیر شده بود، مدت ۳۱ روز در آن اداره بازداشت و مورد بازجویی قرار گرفت و سپس با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد همچنین طی چند ماه گذشته چندین بار احضار و مورد محاکمه قرار گرفت که در آخرین احضار در تاریخ ۲۵/۸/۹۲ بنابه شکایت اداره اطلاعات در شعبه ۵ بازپرسی به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق نوشته و مصاحبه مورد بازپرسی قرار گرفت و ضمن دفاع از خود در این بازپرسی از حیث اتهامات تبرعه شد. نیروهای امنیتی اداره اطلاعات می خواهند از هر طریق ممکن به فعالین کارگری فشار وارد کنند تا از فعالیتهای کارگری و دفاع از حقوق کارگران دست بردارند.

تجمع ۲۰۰۰ کارگر نی بر شوشتر برای دومین روز متوالی

کارگران نی بر مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر امروز نیز در اعتراض به بی توجهی کارفرما به مطالبات صنفی شان برای دومین روز متوالی در مقابل ساختمان اداری مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر تجمع کردند.

یکی از کارگران حاضر در این تجمع به خبرنگار ایلنا گفت: امروز دومین روز در هفته جاری است که

حدود ۲ هزار کارگر فصلی نی بر (که به کار بریدن نی شکر اشتغال دارند) در اعتراض به بی توجهی کارفرما به مطالبات صنفیشان، دست از کار کشیده و اقدام به برپایی جمعی اعتراضی کردند.

این کارگر با بیان اینکه «ما برای احقاق حقوق مان تجمعات متعددی را در استان و پایتخت در مقابل نهادهای مختلف دولتی انجام داده ایم»، افزود: متأسفانه در هر بار تجمع، کارگران نی بر با وعدههایی از مسئولان به اعتراضات صنفی خود پایان داده اند اما تا کنون هیچ یک از قولهای داده شده و حتی مصوباتی که در خصوص مطالبات کارگران نی بر ابلاغ شده است، اجرایی نشده است.

این کارگر که خواست نامش فاش نشود در مورد وعدهای محقق نشده کارفرما و سایر مسئولان توضیح داد: پس از اعتراضات سال گذشته کارگران نی بر که دامنه آن به پایتخت نیز رسید، نمایندگان کارگران و کارفرما جلسه مشترکی با سازمان تامین اجتماعی برگزار کردند که طی این جلسه مقرر شد بابت فصول بیکاری کارگران در سنوات گذشته (بسته به سابقه کار هر کارگر) کارفرما مبلغ ۷۰ میلیارد تومان به تامین اجتماعی واریز کند و به این ترتیب در سوابق بیمه ای کارگران فصلی که بخشی از سال را بیکارند، فاصله ای ایجاد نشود.

او افزود: پرداخت رقم ۷۰ میلیارد تومان توافقی بود که طی چندین جلسه بین مسئولان تامین اجتماعی و نمایندگان مجتمع کشت و صنعت شوشتر انجام شده بود و این شرکت نیز در جلسه مذکور برای پرداخت این مبلغ اعلام آمادگی کرده بود اما در حال حاضر تامین اجتماعی از دریافت مبلغ ۷۰ میلیارد تومان خودداری می کند و حدود ۹۰ میلیارد تومان طلب کرده است.

این کارگر نی بر مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر گفت: «بسیاری از ما به سن بازنشستگی رسیده ایم اما به دلیل وجود فاصله در پرداخت حق بیمه فصول بیکاری، امکان بازنشسته شدن و استفاده از مزایای تامین اجتماعی را نداریم»

به گفته این نماینده صنفی کارگران، آنان علاوه بر اتصال سوابق بیمه ای، خواستار قرار گرفتن تحت حمایت قانون مشاغل سخت و زیان آور، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت منظم دستمزد و حقوق هستند.

گزارش ایلنا از ادامه اعتراضات کارگران پارس جنوبی و نامه اعتراضی ۴۰۰ کارگر

آنچنان ما را به مرگ گرفته اند تا به تب راضی شده و تن به انصراف از این طرح (ساماندهی کارگران پیمانی) بدهیم؛ همچنان که عده ای تن داده اند / کارگران با بیان آنکه مزایای دوران پیمانکاری شان از دست داده اند، به مواجهه شان با تهدیدات مختلفی که بدلیل اعتراض شان به کاهش چند صد هزار تومانی مزدشان صورت گرفته است اشاره کرده اند

بیش از ۴۰۰ کارگر واحد تعمیرات مجتمع گاز پارس جنوبی با امضای نامه ای به تشریح مشکلات شان در این مجموعه پرداختند.

به گزارش ایلنا، در این نامه با اشاره به طرح ساماندهی کارگران پیمانی تاکید شده است: «اکنون شاهد شرایطی نابسامان تر از قبل بوده و آنچنان ما را به مرگ گرفته اند تا به تب راضی شده و تن به انصراف از این طرح بدهیم؛ همچنان که عده ای تن داده اند».

نویسندگان نامه به انعقاد قرارداد مستقیم با کارگران پیمانی واحد تعمیرات اشاره می کنند که سال گذشته و به بهانه افزایش مزد و مزایای این کارگران صورت گرفت اما نه تنها دریافتی آنان افزایش پیدا نکرد بلکه پس از اجرای طرح از حقوق شان تا چند صد هزار تومان نیز کاسته شد.

کارگران در ادامه با بیان آنکه مزایای دوران پیمانکاری شان را از دست داده اند، به مواجهه شان با تهدیدات مختلفی که بدلیل اعتراضات شان به کاهش چند صد هزار تومانی مزدشان صورت گرفته است اشاره کرده اند.

آنگونه که در این نامه آمده است، مسئولان می گویند این طرح کارشناسی نبوده و وزارت نفت گنجایش جذب این همه نیرو را نداشته است.

کارگران با اشاره به آنکه هیچ مسئولی برای شنیدن صدای اعتراض آن ها در جمع شان حاضر نشده است، گفته اند که پرداخت یارانه های مردم از در آمد مجتمع گاز پارس جنوبی میسر می شود اما شاغلان این مجموعه از حقوق اولیه شان محروم مانده اند.

در بخش دیگری از نامه با اشاره به ابتلای کارگران به بیماریهای گوناگون بدلیل مشکلات آلودگی محیط، مطالبه ی زمان استراحت بیشتر و مطابق با کارکنان رسمی مطرح شده است که بدلیل آنچه کمبود نیروی متخصص عنوان می شود با این خواسته مخالفت می شود.

نویسندگان این نامه در پایان پیشنهاد داده اند کسانی که در مجموعه های صنعت نفت شاغلند از نظر دریافت دستمزد، مزایا و امکانات جانبی با همکاران رسمی شان که در همان واحد صنعتی شاغل هستند برابر شده و بنیان نیروی کار سیاه و سفید به فراموشی سپرده شود.

گفتنی است ۲۸۰ کارگر واحد تعمیرات مجتمع گاز پارس جنوبی روز گذشته (۱۱ آذر ماه) در اعتراض به این شرایط با ترک محل کارشان، در مقابل دفتر مدیر عامل تجمع کرده بودند.

دست از زندانی کردن کارگران معترض بردارید

کانون مدافعان حقوق کارگر

در شرایطی که کارگران و زحمتکشان جهان، و به ویژه اروپا، نسبت به تحمیل ریاضت اقتصادی و سیاست های اقتصادی نئولیبرالی و شرایط سخت بیکاری و خصوصی سازی، جدی ترین اعتراضات را نسبت به دولت های خود دارند، دولت ایران با دولت های این کشورها به توافق می رسد و به عقب نشینی های معنادار دست می زند و همزمان، با تشدید فشار به طبقه ی کارگر و اقشار محروم در داخل، برای بریدن هر صدای اعتراضی به زور متوسل می شوند و با اخراج و زندان و ... می خواهند مشکلات معیشتی مردم را در زیر تنگناهای امنیتی پنهان کنند تا صدا از هیچ گرسنه ای بر نیاید و هیچ کارگری بر ستمی اعتراض نکند که

بنیادش را به باد می دهد. این تدبیری ست که دولت جدید تا کنون برای زحمتکشان اعمال کرده است. اخراج سازی ها و امنیتی کردن اعتراضات کارگری راه بیرون رفت مدبرانه ای ادعایی دولت از بحران های هزار توی موجود نیست.

کانون مدافعان حقوق کارگر، ضمن محکوم کردن بازداشت کارگران معترض کارخانه پلی اکریل اصفهان - جواد لطفی، عباس حقیقی، کیومرث رحیمی و احمد صابری - و دیگر فعالان کارگری، فشار به کارگران را پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق انسانی می داند و خواستار آزادی بی قید و شرط همه ی کارگران

و فعالان کارگری زندانی از جمله رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، افشین ندیمی، مهرداد صبوری، وفا قادری، پدram نصرالهی و سایر زندانیان سیاسی است. کانون مدافعان حقوق کارگر، همچنین ضمن حمایت از کارگران معترض کارخانه پلی اکریل اصفهان

برای خواست های به حق شان، خواستار همبستگی طبقاتی کارگران برای رسیدن به حقوق حقه ی خود می باشد. کانون مدافعان حقوق کارگر از مبارزات قهرمانانه ی کارگران در همه جهان و به ویژه کارگران کشورهای اروپایی حمایت کرده و خواستار همبستگی بین المللی برای مبارزه کارگران علیه ستم طبقاتی ست.

کانون مدافعان حقوق کارگر - آذر ۹۲

اعتصاب کارگران شرکتهای پتروشیمی بساران و خوارزمی با خواست افزایش مزد

اتحادیه آزاد کارگران ایران: کارگران پتروشیمی خوارزمی از صبح دیروز با خواست افزایش مزد دست به اعتصاب زده اند و صبح امروز کارگران پتروشیمی بساران نیز به این اعتصاب پیوستند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران پتروشیمی خوارزمی در حالی از صبح دیروز دست به اعتصاب زده اند که مدیرعامل پتروشیمی بندر

از صفحه ۴ اخبار کارگری هفته

امام در روز ۲۹ مهر ماه بدنبال اعتصاب این کارگران و همچنین کارگران پتروشیمی فراروش دستور العمل افزایش ۳۲ درصدی مزد آنان را امضا کرده بود اما از آنجا که این دستور العمل تحقق پیدا نکرده است کارگران پتروشیمی خوارزمی از صبح دیروز دست به اعتصاب زدند و کارگران پتروشیمی بسیاری نیز که قبلاً با خواست افزایش مزد اعتصاب جداگانه ای را کرده بودند و توجه چندانی به خواست آنان برای افزایش حداقل مزد نشده بود به اعتصاب کارگران پتروشیمی خوارزمی پیوستند و از صبح امروز دست از کار کشیدند.

بنا بر اظهار کارگران پتروشیمی های خوارزمی و بسیاری، آنان دیگر با افزایش ۳۲ درصدی دستمزد شان که قبلاً مورد توافق مدیر عامل پتروشیمی بندر امام قرار گرفته بود موافق نیستند و خواهان افزایش چندین برابری دستمزد هایشان می باشند.

بنا بر آخرین خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، اعتصاب این دو شرکت پتروشیمی در مجتمع پتروشیمی بندر امام همچنان ادامه دارد و مسئولین پتروشیمی بندر امام تاکنون عکس العملی به آن نشان نداده اند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران -

۱۱ آذر ماه ۱۳۹۲

پیام رضا شهبانی به مناسبت ۱۶ آذر

۱۶ آذرروز دانشجو است، روز دانشجو. لازم نیست که کلیشه وار به مرور تاریخ خوابیده پشت این مناسبت بپردازیم، اما لازم است تا از خلال ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ و نیز تمامی ۱۶ آذرهای تا پیش از امروز نسبت جنبش دانشجویی ایرانی سال ۱۳۲۹ را با موقعیت تاریخی امروز روشن کنیم.

من در حالی با شما سخن می گویم که هر چند به دلیل شغلم، موقعیت طبقاتی ام و بسیاری مسائل اجتماعی دیگر توفیق حضور در محیط دانشگاه را نداشتم، اما با تمامی مشکلات اجازه ندادم که عنصر تحصیل به تمامی از زندگی من رخت بر بندد و به این ترتیب از همین داخل زندان اقدام به ادامه

تحصیل در مقطع لیسانس نمودم. این اشاره از آن بابت بود که بگویم من به عنوان یک فعال کارگری که عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه می باشم، مایلم تا در این روز دانشجویان را در مقام یک کارگر و در عین حال کارگران را در مقام یک دانشجو مورد خطاب قرار دهم تا از خلال همان تاریخی که در آغاز نوشتارم به آن اشاره کردم و نیز تاریخ مبارزات آزادی خواهانه و برابری طلبانه ای تمامی کارگران و دانشجویان جهان، بر ضرورت پیوند این دو گروه برای دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی تاکید کنم.

دانشجویان عزیز: از زمان انقلاب کبیر فرانسه تا ۱۶ آذر ۱۳۳۲ خودمان، آن دسته از هم نوعان شما که علم و دانش شان را در کنار جانشان بر سر راه آرمان رهایی گذاشتند، جمله ای به یک نکته اشاره داشتند و آن اینکه "دانشجو یک واژه به هم پیوسته است و نه ترکیبی محصول کنار هم قرار گرفتن دانش و "جو"؛ به عبارتی دیگر "دانشجو" کسی است که در کنار جستجو برای کسب علم و دانش با سیاست و به طور کلی با حیات اجتماعی اش پیوند تنگاتنگی را احساس می کند. پیوندی که او را و می دارد به درون جامعه رود، با توده های مردم ارتباط برقرار کند، مشکلات ایشان را درک و به اعتبار سواد و دانش اش، همراه با دیگر دانشجویان با توانمند ساختن توده های محروم و رنج کشیده مردم، نسبت به حل مشکلات جامعه اقدام کند. به این ترتیب اگر نخواستیم تا تکثر آراء و گرایش های مختلف در میان دانشجویان را، ذیل عنوان "جنبش دانشجویی" نادیده بگیریم، باید گفت که منظور ما از جنبش دانشجویی آن نوع از کنشگری جمعی دانشجویان است که ضد سرمایه داری، ضد دیکتاتوری و همصدا با مطالبات محروم ترین آحاد جامعه به ویژه طبقه کارگر است.

از این حیث است که ۱۶ آذر ۱۳۳۲ هم جهان برای ما نمونه ای است مثال زدن: شریعت رضوی،

بزرگ نیا و قندچی برای مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و دیکتاتوری شاه بود که جان خود را از دست دادند؛ و لازم به توضیح نیست که پیوند مبارزه علیه امپریالیسم با آرمان رهایی طبقه کارگر کجاست. و اما رفقای کارگر: تاریخ مبارزات پر فراز و نشیب کارگران چه در ایران و چه در جهان گواهی می دهد که آن هنگامی که ندای حق طلبی کارگر از دیوارهای بلند کارگاه و کارخانه عبور کرده و به بطن جامعه آمده است، و جوان های بیدار به یاری اش شتافته و جوش و خروش به حرکت در آمده که هیچ کس را یاری ایستادگی در برابر آن نبوده است پیش تر در قطعنامه ای که برای اول ماه می ۱۳۹۲ داده بودم، تاکید کردم که هر وقت ما شکست خوردیم در وهله ی اول یا به خاطر دست شستن از منافع طبقاتی مان بوده است یا ترس از سیاست و ارتباط و اتحاد با کسانی نظیر دانشجویان که دغدغه هایی از جنس خود ما دارند.

تجربیه ی اعتراضات سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه در سالهای ۸۶-۸۴ شاید دم دست ترین نمونه ای است که می توانم با اشاره به آن اهمیت پیوند کارگران با دانشجویان را گوشزد کنم. اگر آن اتحاد نبود ندای حق طلبی ما جهانی نمی شد و امروز اساساً تجربه قابل ذکری وجود نداشت که حالا خسته باشیم. نقاط قوت و ضعفش را برشماریم. دست کم من الان می توانم خطاب به همکاران و هم طبقه ای هایم بگویم که برای پیگیری مطالباتشان نهاد دیگری غیر از "خانه کارگر" (بخوانید خانه محبوب) و شورای های اسلامی بی خاصیت کار و نیز احزابی نظیر حزب اسلامی کار که به اسم کارگران عملاً در خدمت منافع سرمایه داران هستند، وجود دارد؛ نهادهای به نام "سندیکایی" که خود ما نیز با اتکا به تجربه ی هم طبقه ای های قدیمی مان احیایش کردیم.

دوستان دانشجو، رفقای کارگر سختم را با تاکید چندین و چند باره بر این نکته به پایان می برم که؛ جنبش دانشجویی ای که در داخل دانشگاه خود را محبوبس کند، حکم مرگش را امضاء کرده همانطور که

جنبش کارگری ای که محدود به دیوارهای کارخانه باشد هرگز موفق نخواهد شد. ما از دانشجویان انتظار داریم که در این دوران هجوم همه جانبه ی نئولیبرالیسم (این بار با اسم تدبیر و امید) به معیشت مردم و به ویژه کارگران، تریبون های دانشگاهی را به بیان دردها و معضلات ناشی از این هجمه اختصاص دهند، هم چنان که از رفقای کارگران هم می خواهیم که با حضور در چنین محافل به تبادل تجربیات خویش با دانشجویان و دانشگاهیان همت گمارند. زنده باد اتحاد کارگر و دانشجو ۱۶ آذر، روز دانشجو مبارک باد رضا شهبانی کارگر و دانشجوی دریند و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد زندان اوین

تجمع اعتراضی کارگران شرکت پویا غرب کرمانشاه مقابل استانداری

به گزارش ۱۰ آذر کدپا، ۴۰ تن از کارگران و کارمندان شرکت پویا غرب در اعتراض به "عدم واگذاری واحدهای مسکن شان" در مقابل استانداری و دفتر امام جمعه ی کرمانشاه تجمع نمودند.

براساس این گزارش، مدیرعامل پویا غرب چند سال قبل اقدام به ساخت مسکن برای کارگران و کارمندان این شرکت کرده و به شیوه ی اقساط ماهانه در اختیار آنها قرارداده بود که در مقابل، سند واحدها را به عنوان وثیقه در بانک صادرات و تجارت گذاشته است.

مدیرعامل این شرکت، وام های کلانی از این دو بانک دریافت نموده و سند واحدها را به جای ضمانت برگشت وام در رهن این دو بانک قرار داده است.

به گفته متقاضیان مسکن، شرکت مزبور آماده نیست بدهی بانکها را پرداخت و این دو بانک هم بجای بدهی های خود اقدام به ضبط مسکن کارگران و کارمندان این شرکت نموده اند.

این ۴۰ کارگر و کارمند همچنین گفته اند: "ما تمام اقساط واحدهای مسکونی را به شخص مدیرعامل پرداخت نموده ایم و هم اکنون بانک صادرات و تجارت ما را صاحب خانها محسوب نمی کند."

به گفته شاهدان عینی تجمع کنندگان از آنجایی که به هیچ

نتیجه ای نرسیده بودند به همراه خانواده هایشان به پشت بام مجتمع پویا رفته و اقدام به شعار دادن کردند.

شرکت پویا غرب در ۸ کیلومتری جاده کرمانشاه به سندیج واقع شده و انواع کابل های فشار قوی آلومینیومی تولید می کند.

تنفس مداوم هوای عسولیه مرگ آور است

به گفته یک فعال صنفی کارگری در منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی به دلیل بالا بودن میزان آلودگی هوا، سلامتی کارگران این منطقه در معرض تهدید جدی قرار دارد.

«ناصر آغاجری» با اعلام این مطلب گفت: تنها در منطقه عسولیه به دلیل مجهز نبودن فلرهای (مشعل های بلند گاز سوز) پروژه های نفتی و گازی به فیلتر های پالایش گاز، هوای منطقه از گازهای مرگباری چون CO₂، SO₂ و H₂S آکنده است.

وی بایان اینکه تنها تنفس یک دم از گاز سنگین و بی بو H₂S می تواند منجر به مرگ افراد شود، گفت: در حال حاضر این گاز سمی و خطرناک از هر فلر مشتعل با فشار ۲۰۰ PSI خارج می شود.

این فعال صنفی کارگری با یادآوری اینکه طبق استاندارد بین المللی تا شعاع ۱ کیلومتری فلرهای متصاعد کننده چنین گازهای خطرناکی، نباید منطقه مسکونی وجود داشته باشد، گفت: این شرایط در حالی است که هم اکنون هر فاز پالایشگاهی ۴ فلر خروج گاز دارد.

وی با اعلام اینکه در حال حاضر به واسطه اجرای پروژه های عظیم نفتی - پتروشیمی حداقل ۳۰ فلر از مجموع نزدیک به ۹۸ فلر فعال منطقه پارس جنوبی در منطقه عسولیه قرار دارد، افزود: با وجود آنکه ممکن است وضعیت آلودگی هوا منطقه عسولیه در گزارش مسئولان محیط زیست استان پوشش استاندارد معرفی شود اما طبق بررسی های مراکز دانشگاهی وضعیت آلودگی آب و خاک در این منطقه رو به گسترش است بطوری می توان مدعی شد که آب و هوای عسولیه صد برابر شهر تهران آلوده است.

آغاجری همچنین از بالا بودن



کنیم با محبت صحبت کردن با یکدیگر هم بسیار مهم است، مخصوصاً در زنان، ما زنان یا خیلی تهاجمی با مساله ای برخورد می‌کنیم و پیش داوری می‌کنیم و یا برعکس در مورد مشکلات سکوت می‌کنیم و خود خوری می‌کنیم، در صورتیکه شرط بقای يك ارتباط صحبت کردن و حفظ رابطه دوستانه است یعنی زمانیکه مشکلی پیش می‌آید قبل از اینکه ما پیش داوری کنیم منتظر بمانیم که همسرمان صحبت کند و البته صحبت‌هایش را باور کنیم و قبول کنیم اگر به حرف‌هایش باور نداشته باشیم، يك سری فشارهای روحی و استرس در ما به وجود می‌آید که در دراز مدت مشکلات اساسی برای ما به وجود می‌آورد، پس همانطور که در برنامه‌های اول صحبت کردیم اگر خود را دوست داریم نباید بگذاریم که این فشارها و استرس بر ما غلبه کند و مشکلات بزرگتری برایمان به وجود بیاورد.

شیما فهیمی: آیا به نظر شما زن

و یا مرد اجازه دارند که خارج از رابطه زنا شویی با دیگران ارتباط داشته باشند البته منظورم حالت سالم این ارتباط است؟

فرشته مرادی: این سوال شما

بر میگردد به يك مساله فرهنگی و تا حدی هم مذهبی، در کل زن یا مرد ملك شخصی یکدیگر نیستند، هر دوی آنها انسان هستند این در مرحله اول است، مرحله بعد اینکه اگر زن و مردی رابطه کاملاً سالم با هم داشته باشند، به همدیگر توجه کنند همدیگر را واقعا دوست داشته باشند درباره خواست‌هایشان و مشکلاتشان با هم صحبت کنند و مهمتر از همه اینکه به همدیگر اعتماد لازم را داشته باشند، اگر زن در محیط کار و خارج از منزل با مردی هم صحبت کند همسر او مطمئن است که این ارتباط کاملاً سالم و معمولی است و همینطور این مساله در مورد مردان هم صدق می‌کند، اما میبینیم در خیلی از موارد اینطور نیست مخصوصاً زنان

فرشته مرادی: همیشه گفته

شده که حسادت نشانه دوست داشتن و عشق است، میتوانیم تا حدی این مساله را بپذیریم، چون اگر زن و مردی که با هم زندگی میکنند، برایشان اهمیت نداشته باشد و به هم بی توجه باشند باید به سالم بودن آن رابطه شک کرد، اما چیزی که اینجا مهم است این است که ما باید چیزی را که میبینیم قضاوت کنیم نه برداشت و نظر شخصی خود را به قضاوت بگذاریم و حتماً باید این مساله و مشکل را با همسر خود در میان بگذاریم به این صورت که: من دیدم که تو آن کار را انجام دادی و من احساس خوبی نسبت به این کار ندارم و می‌خواهم که درباره آن صحبت کنیم. یعنی کاملاً منطقی باید با مشکلات برخورد کرد و مساله دیگر اینکه اگر توجهات به مرحله حسادت برسد نشان این است که اشکالی در زندگی هست که باید حل بشود. مساله مهم دیگر اینکه خیلی

تابو مجموعه مباحثی در باره مسائل و مشکلات زنان در کردستان بخش پنجم: ازدواج

شیما فهیمی: با بخش هفتم از سلسله بحث‌های تابو در خدمت شما هستیم، در بخش قبلی در مورد ازدواج صحبت کردیم و در این بخش می‌خواهیم در مورد رابطه زنا شویی صحبت کنیم. سوال اولم از خانم فرشته مرادی این است که همانطور که در بخش قبل صحبت کردیم، دختر و پسر زمانی که تصمیم می‌گیرند که زندگی مشترک را آغاز کنند، با تمام عشق و علاقه زندگی مشترک را شروع میکنند اما چرا بعد از مدتی مشکلات و اختلاف‌ها خود را نشان میدهد و باعث اختلاف میشود؟

فرشته مرادی: سلام و درود

خدمت شما مساله ازدواج مساله بسیار مهم و در عین حال بسیار زیبایی هم هست و دو نفر بخاطر اینکه احساس میکنند بدون یکدیگر نمیتوانند در زندگی خوشبخت باشند، تصمیم می‌گیرند که زندگی مشترک را آغاز کنند و در ابتدا همه چیز زندگی برای آنها رویایی و زیبا می‌باشد، اما متأسفانه زمانی که وارد زندگی میشوند مشکلات و اختلاف نظرها به وجود می‌آیند اما ابتدا این نکته را بیان کنم که در علم روانشناسی گفته میشود که اگر اختلاف نظر و مشکلات در زندگی مشترک نباشد زندگی لذتی ندارد، از قدیم هم گفتند، دعوا نمک زندگی مشترک است. البته منظورم از دعوا بحث کردن در مورد اختلاف نظرها و اختلاف سلیقه هست و در واقع در این بحث‌ها هست که دو نفر یکدیگر را می‌شناسند و به هم نزدیک میشوند، البته مشکلات و اختلافات همیشه هست اما باید زن و شوهر با انعطاف و عشق و درک متقابل سعی کنند که این مشکلات را رفع کنند.

مساله ای که در اینجا می‌خواهم در مورد آن صحبت کنم این است که در گذشته مردان به عنوان نان آور خانواده در بیرون از منزل کار میکردند و وظیفه زن مراقبت از فرزندان و آشپزی و ... بود اما امروز اغلب زنان یا به پای مردان و در مواردی به تنهایی مسئولیت يك خانواده را بر عهده دارند و این مساله خود باعث

میشود تازه وارد دنیای واقعی سکس میشوند، متأسفانه زمانی هم هستند در کردستان که ختنه شده اند و این امر خود باعث شده که حالت لذت بردن از سکس در آنها کمتر شده.

شیما فهیمی: می‌خواستم نظر

شما را در مورد سکس در سنین بالا میان زنان و مردان بپرسم؟

فرشته مرادی: طبیعت انسان

طوری است که دوست دارد تا زمانیکه زنده است از زندگی لذت ببرد و یکی از این لذتها هم سکس است، اما همانطور که گفتیم مساله سکس در ایران تابو است و در سنین بالا هم شاید بیشتر مساله سکس به يك مساله ممنوع تبدیل شود، اتفاقاً زنان و مردانی که بطور مثال ۲۵ سال است که با هم زندگی میکنند، به دلیل شناختی که از یکدیگر دارند میتوانند لذت بیشتری از مساله سکس ببرند، میتوانند با مطالعه در این زمینه و صحبت در مورد اینکه چگونه از سکس با یکدیگر لذت ببرند، کمک کنند که بتوانند در سنین بالا هم از سکس لذت ببرند.

شیما فهیمی: موضوع بدی که

می‌خواهیم در مورد آن صحبت کنیم چیست؟

فرشته مرادی: مسائل و

مشکلاتی که در رابطه زناشویی وجود دارد گسترده است و در این برنامه فقط در مورد سکس و حسادت صحبت کردیم در برنامه بعد در مورد دخالت‌های بی مورد خانواده‌ها در زندگی مشترک صحبت می‌کنیم.

با تشکر از شما

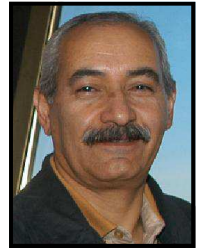
مواقع استرس‌ها و فشارهای روحی ناشی از کمبودهای جنسی در روابط زناشویی می‌باشد که میتوان با داشتن يك سکس خوب این فشارها را از بین برد و بعد از آن راحت‌تر با هم صحبت کرد، به همین خاطر باید کاملاً یکدیگر را بشناسند که بدانند چگونه با هم رفتار کنند.

شیما فهیمی: پس یکی از

مسائلی که باعث میشود رابطه بهتر یا بدتر شود سکس است درست متوجه شدم؟

فرشته مرادی: بله یکی از

عوامل مهم سکس است که بیشتر باید درباره آن صحبت کرد، به این دلیل که در جامعه‌ای مانند کردستان و به طور کلی ایران اصلاً به این مساله پرداخت نشده است و تابو بوده و هست، در حالیکه بسیار نقش مهمی در زندگی دارد، در واقع سکس تکمیل کننده يك رابطه عاطفی و عاشقانه است و يك نیاز طبیعی و واقعی انسان می‌باشد که به وسیله آن انسان می‌تواند آرامش روحی داشته باشد، اما موارد مختلفی در این میان وجود دارد برای اینکه دو نفری که با هم زندگی میکنند چگونه در مورد سکس با هم برخورد میکنند، اول اینکه شب اول ازدواج و رابطه سکس بسیار مهم است، اما مهمتر از آن این است که در ادامه زندگی با صحبت کردن در مورد سکس و گفتن خواست‌ها و انتظارات از همدیگر باعث این بشوند که لذت لازم را از رابطه جنسی به همدیگر بدهند، چون این مساله منجر به دوام و بقای زندگی مشترک میشود، در مورد مردان البته مساله سکس راحت‌تر است چرا که در جوامع بسته‌ای مانند ایران مردان راحت‌تر هستند اما زنان به خاطر محدودیتهایی که هست زمانیکه پرده بکارت آنها برداشته



عبدل گلپریان

تعویض نگهبان

هنگامیکه وارد منطقه شدیم از آنجا که در فصل زمستان و بارش برف شبا می بایست از نقطه ای به نقطه دیگر عبور می کردیم بلوز و شلوارهایی از جنس کتان و برنگ سفید که از قبل دوخته شده بود و کمتر از نیم کیلو وزن داشت با خود به همراه داشتیم. این لباسهای سبک و نازک خیلی جالب دوخته شده بودند. هم گشاد و راحت بود و هم در قسمتهای مچ دست و پا و قسمت کمر، کش بکار برده شده بود که جمع و جور باشد. موقع بارش برف آنرا بروی لباس می پوشانیدیم تا کار استتار ما را در میان برف انجام دهد. یکبار که وارد روستای "قه ره بیان" که تقریباً از روستاهای چسبیده به شهر سنندج بود شدیم، تصمیم گرفتیم آنشب به دو تیم تقسیم نشویم بلکه هر شش نفر با هم در یک منزل باشیم. رفقا گفتند به منزلی برویم که از نظر مالی زیاد بهشان فشار نیاید. دیر وقت بود شاید ساعت از دوازده شب گذشته بود و کسی متوجه حضور ما نشده بود. همانطور که از میان کوچه ها به منازل نگاه می کردیم چشمان به منزلی افتاد که دارای اطاقهای زیادی بود و چراغهایشان هم هنوز روشن بود. این منزل را مناسب دیدیم و از ظاهرش هم پیدا بود که وضع خوبی دارند و از لحاظ اقتصادی قادر خواهند بود تا فردا شش نفر بخوبی پذیرایی کنند.

در فاصله صد متری از منزل و در کنار دیواری ایستاده بودیم که مبدا کسی از حضور ما مطلع شود. برای وارد شدن به منازل حاشیه شهر ابتدا نمی بایست به کوئین در بپردازیم چون ممکن بود همسایه ها متوجه حضور ما بشوند بلکه یکی از رفقا را کمک میکردیم از بالای دیوار وارد حیاط شود و آهسته در را برایشان باز کند. از

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش سی و هشتم

در خواب و بیداری

تابستان سال ۶۴ بود واحدی هفت نفره بودیم و شب هنگام وارد روستای "گانی که وگ" (چشمه کمبود) شدیم. اهالی روستا که بارها بصورت علنی و مخفی وارد آنجا شده بودیم استقبال گرمی از ما بعمل آوردند. قبل تر هر بار بصورت علنی و برگزاری جلسه سخنرانی با اهالی وارد این روستا می شدیم با دیدن ما احساسات صمیمانه خود را پنهان نمی کردند و واقعا کومه له و تک تک ما را از صمیم قلب دوست داشتند. اما این بار می خواستیم که

هیچ کس از اهالی روستا از حضور ما اطلاع پیدا نکند بجز یک منزل که برای مخفی شدن در نظر گرفته بودیم. طوری وارد روستا شدیم که حتی سگهای آبادی هم از حضور ما بی اطلاع بودند و نگذاشتیم پارس کنند. برای اینکه صدای در منزل بلند نشود یکی از رفقا را کمک کردیم از روی دیوار وارد حیاط شود. در را باز کرد و همگی داخل شدیم. صاحب خانه که اسمش محمد بود را

آهسته مطلع کردیم و او به محض اینکه ما را دید بسیار خوشحال شد. اهالی منزل همگی به استقبال ما آمدند و با بغل کردن و روبوسی پذیرایی خوبی از ما کردند. بعد از تازه کردن دیدار و صرف چای، نان، ماست و پنیر، به محمد گفتیم تا فردا شب اینجا ماندگار می شویم و فردا شب به محض تاریک شدن هوا باید برویم اما آنچه که مهم است این است که چون ماموریت مهمی در منطقه داریم نباید حتی یک نفر از اهالی روستا بدانند که ما اینجا هستیم. در جواب گفت خیالتان راحت باشد حتی نمی گذارم همسایه بغل دستی هم از حضور شما مطلع شود.

خلاصه بعد از بحث و گفتگو در مورد مسایل سیاسی روز و مقداری گپ و شوخی، وقت استراحت بود و رفت برایمان رختخواب آورد. رفقا نیز هر یک رختخواب خود را پهن کرده و به استراحت پرداختند. چون جا محدود بود من و یکی دیگر از رفقای شوخ طبع واحد دو نفری در اتاق پذیرایی که بزرگتر بود خوابیدیم. قبل از اینکه محمد از اتاق بیرون برود بار دیگر تاکید کردم

نفر از رفقا خواستیم که بروند و در را باز کنند. تاکتیک داخل شدن در منازل حومه شهر به این شکل بود که می بایست برای باز کردن در و جلوگیری از سروصدای کوئین بر آن برای مطلع کردن صاحب خانه، یکی از رفقا ابتدا بر روی دست رفیق دیگر پا می گذاشت و سپس پایش را بر روی شانه های او قرار می داد و خود را بر بالای دیوار می رساند و بعد با داخل شدن در حیاط منزل آهسته در را باز می کرد و ما هم یکی یکی داخل می شدیم و در را می بستیم.

ما چهار نفر دیگر در کنار دیوار ایستاده بودیم و صحنه بالا رفتن از دیوار توسط یکی از رفقا با کمک رفیق دیگر نگاه میکردیم که بلکه رفیقی که میبایست به بالای دیوار برسد یک پای خود را در میان دستان قفل کرده رفیق دیگر گذاشته بود و اکنون می توانست راحت بر بالای دیوار قرار بگیرد. اما برای لحظاتی در همان حالت ایستاده بود. من متوجه شدم که رفیقی که بالا رفته بود با اشاره سر و دست به رفیق دیگر می گفت مرا بیار پایین و او هم متوجه پیام او نمی شد. ما هم نمی دانستیم چرا او می خواهد پایین بیاید در حالیکه خیلی راحت می تواند داخل شود. بلاخره بعد از گذشت کمتر از یک دقیقه او پایین آمد و هر دو بسرعت بطرف ما برگشتند. وقتی به نزد ما رسیدند بهش گفتیم چرا تاخیر کردی و بالای دیوار نرفتی؟ بعد در جواب گفت قسمتی که دستم بهش خورد و می خواستم بالا بروم گونی های پر از شن و ماسه بود و فهمیدم که این سنگر است. در همین لحظه متوجه شدیم که یک نفر مسلح وارد همان قسمت شد و بر روی یکی از گونی های شن نشست. آنگاه متوجه شدیم منزلی که انتخاب کرده بودیم که هر شش نفر آنجا بمانیم مقر نیروهای رژیم در داخل روستای قه ره بیان بوده است و در لحظه ای که رفقا در حال بالا رفتن بودند نگهبان آنجا نبود بلکه رفته بود نگهبان دیگر را برای تعویض پست صدا بزند.



تکرار شد. بعد از شستشوی صورت و خوردن صبحانه در جمع آنها و کمی گپ و گفتگو، از شان پرسیدم چگونه متوجه حضور ما شده اند؟ هر یک چیزی می گفت. یکی می گفت پسر صاحبخانه به من گفته و دیگری می گفت دختر صاحبخانه و سومی می گفت همسر او و خلاصه هرکسی مطلع شده بود به آن دیگری اطلاع داده بود.

دیگر کاریش نمی شد کرد و کار گذاریم بود. اما نگران جوانب امنیتی نبودیم چون اهالی روستای چشمه کمبود "گانی که وگ" با توجه به اینکه حدود سی الی چهل خانوار بودند اما انگار یک خانواده هستند و مناسباتشان با هم خیلی عالی بود بویژه اینکه کومه له را خیلی دوست داشتند. بعد از گپ زدن و صحبت کردن با جوانان حاضر در اتاق، دسته ای می رفت و دسته ای دیگر وارد اتاق می شد. هر بار که از صاحب خانه با لبخند و شوخی می پرسیدم مگر قول ندادی که کسی از آمدن ما مطلع نشود؟، او نیز هر بار در جواب می گفت: راستش وقتی پسر عمه ام فهمید درست نبود که از دختر خاله ام پنهان کنم، وقتی دختر برادر

که حتما حواسش باشد که فردا کسی از اهالی روستا از حضور ما مطلع نشود. گفت خاطر جمع باش بگیر بخواب نمی گذارم کسی مطلع شود. شب بخیر گفتیم سپس چراغ فانوس را خاموش کردم و بخواب رفتیم.

روز بعد، وقت از صبح گذشته بود و من داشتم خواب میدیدم که برای مردم روستا جلسه سخنرانی علنی گذاشته ام. چیزی که جالب بود این بود که تصویر جلسه را در خواب می دیدم اما صدای همه هم اهالی شرکت کنند در جلسه را با گوش میشنیدم نه در خواب. این لحظات خواب و بیداری خیلی سریع و کوتاه بود. وقتیکه بیدار شدم و هنوز سرم زیر لحاف بود همان صدای همه کماکان ادامه داشت. لحاف را که برداشتم دیدم دور تا دور اتاق تعدادی از اهالی روستا که بیشترشان جوانان دختر و پسر اهل روستا بودند نشسته اند. به محض متوجه شدن از برخاستن من از رختخواب، همگی آنها نیز برخاستند و من نیز بسویشان رفتم و یکی یکی به روبوسی و بغل کردن پرداختیم. این ماجرا برای رفیق شوخ طبع دیگر که آنطرف کنار من خوابیده بود نیز

از صفحه ۱ اعدام‌ها را متوقف...

کارگران را برای احقاق حقوق خود متشکل کند، و علیه بیعدالتی‌ها و بیحقوقی‌ها ابراز مخالفت کرده اند. این درحالی است که دولت آقای روحانی با آزاد کردن شماری از زندانیان که اکثراً هم "خودی" بوده‌اند ژست "اعتدال" به خود گرفته است. ما زندانیان محکوم در بند ۳۵۰ زندان اوین ضمن اعلام خوشحالی از آزادی کسانی که در همین مدت از زندان آزاد شده‌اند، اعلام میکنیم اولاً غوغا بر سر آزادی زندانیان سیاسی و وعده‌های پیش‌انتخاباتی یک‌هیاهو بیشتر نبوده و آزادی همین تعداد نیز بخاطر اعتراضات داخلی و یا جهانی صورت گرفته است.

ما زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین، اعلام میکنیم که نه تنها خبری از آزادی دهها کارگر زندانی و شمار بسیاری از زندانیان سیاسی و عقیدتی نیست، بلکه فشار بر روی آنها شدت یافته و اعدام‌ها نیز چندین برابر شده است. توهین و بدرفتاری با زندانیان به حد اعلای خود رسیده و بی‌توجهی به معالجه و دوا و درمان زندانیان بیمار بیداد میکند.

مرخصی لازم داده بشود. ما میخواهیم که به تحقیر و بدرفتاری‌های روزمره زندانیان با زندانیان فوراً و برای همیشه پایان داده شود و امکانات ملاقات با بستگان و وکلای زندانی در فضائی توأم با احترام فراهم شود. ما خواهان اعزام هیئت‌های بین‌المللی برای بازدید از زندان اوین و کلیه زندانهای کشور اعم از سیاسی یا غیر سیاسی هستیم. ما مخالف مجازات اعدامیم. اینها برخی از خواست‌های بحق ما است.

ما مخالف مجازات اعدام هستیم. و آخرین تاکید ما توقف فوری اعدام‌هاست. ما از مردم شریف ایران و مردم انساندوست در سراسر جهان میخواهیم که فعالانه از خواست‌های ما حمایت کنند و همه جا صدای ما باشند.

رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه- بند ۳۵۰ زندان اوین
بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و دفاع از حقوق کودک، عضو کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری و جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، زندان اوین بند ۳۵۰

از صفحه ۲ به مناسبت...

ویژه محدودیتهای معینی را به ما تحمیل کرد. کالبد شکافی دقیق چپ ناسیونالیست و اسلام زده و سنتی ایرانی تا حدود زیادی در پرتو اوضاع جهانی جواب می‌گرفت. به همین دلیل بررسی دقیق و موشکافانه از تئوری و سیاست و جهان بینی این چپ در محدوده ایران عملاً تحت تاثیر این فضا قرار گرفت.

ما اگر امروز بعد از پایان آن گرد و غبار و در انتهای دوره ای قرار گرفته ایم که با افتخار میتوانیم سرمان را بلند نگاهداریم و بگوییم شکست بلوک شرق شکست کمونیسم نبود، اگر اکنون با سری افزاشته میتوانیم به همان بورژوازی‌ها که نعره پیروزی سر داده بود بگوییم حقانیت نداشتید و مدل بازار آزادتان همراه با دمکراسی‌تان با شکست مواجه شده است، اگر اکنون با امید به پیروزی انسانیت و برگرداندن اختیار به انسان و با اتکا به تئوریه‌ها و نقدهای مارکس و منصور حکمت میتوانیم بگوییم دوره تعرض ما آغاز شده است، فقط با اتکا به آن تاریخ پرافتخار مقاومت و تیزبینی گذشته، این امر ممکن شده است.

به هر حال اکنون در موقعیت مناسبتری می‌گوییم: هر جریان و انسان چپی که اگر در آن دوره دچار سردرگمی و رخوت شده است اکنون باید به میدان بیاید و متوجه این تحولات بشود و به صفی ملحق شود که تاریخ گذشته حقانیت سیاستها و تئوریهایش را به اثبات رسانده است. جریاناتی که مرعوب پیروزی دمکراسی و بازار آزاد شدند، جریاناتی که نام

در پایان این دوره و در موقعیتی که این سطور را مینویسم، فرخوان ما به همه جریاناتی که به هر دلیلی در گذشته راه دیگری را رفته و یا دچار سردرگمی و ابهام شدند و توان تشخیص تحولات جهان را نداشتند، این است که موقعیت فعلی را دریابند. دوران تعرض کمونیسم و دوران بلندگی سریع و رشد احزاب کمونیستی فرا رسیده است. حزب کمونیست کارگری چه در دوران برویای بازار آزاد و چه در شرایط افول آن، آلترناتیو سوسیالیستی و رهایی انسان از تمام قید و بندهای نظام حاکم را هدف خود قرار داده است. این حزب، حزب همه انسانهای معترض به سیستم حاکم و مدافع رهایی انسان از اسارت است.

صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E-mail: farzam.karbasi@gmail.com

از صفحه ۵ اخبار کارگری...

سرگیجه و استفراغ، فلج و مرگ افراد منجر شود.

وی با بیان اینکه دیگر ذرات شیمیایی موجود در هوا مثل نیترات‌ها و ازن باعث اسیدی شدن سطح چشم و سوزش می‌شود، افزود: علاوه بر این‌ها وجود اکسیدهای سولفور و نیتروژن در هوای مرطوب و شرجی منطقه عسلویه، ترکیبی اسیدی به وجود می‌آورد که از طریق تنفس جذب

مقدار دی‌اکسید نیتروژن، ازن و سایر آلاینده‌های آلی و ذرات به ویژه آیزست در هوای منطقه عسلویه خبرداد و گفت: وجود ذرات آیزست در هوای تنفسی آنقدر خطرناک است که مقادیر PPM-۵۰، PPM-۱۰۰ و PPM-۵۰۰ از این ماده شیمیایی به ترتیب می‌تواند به

از صفحه ۷ مختصری از تاریخ...

روستا به دیدار ما آمدند و کسی نمانده بود که مطلع نشده باشد. نزدیکهای عصر وقتیکه همه اهالی روستا با ما ملاقات کرده و به خانه هایشان رفتند، رفیق همیشه شوخ طبع واحد رو کرد به محمد صاحب خانه و با لبخند و شوخی گفت کاک محمد حالا که همه مردم روستای چشمه کبود از آمدن ما مطلع

همسرم اطلاع پیدا کرد درست نبود از برادرش پنهان کنیم ولی نگران نباش همه قوم و فامیل هستند چکار همیشه کرد شماها را دوست دارند دیگه. این وضعیت تا بدانجا رسید که در طول روز همه اهالی

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!